

گوشه هایی از مکارم اخلاقی امام کاظم (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

حسن بن جهم می گوید: در محضر امام رضا (علیه السلام) بودیم، سخن از امام کاظم (علیه السلام) به میان آمد، امام رضا (علیه السلام) فرمود: با این که عقل های مردم قابل مقایسه ی منطقی با عقل پدرم (امام کاظم) نبود، گاهی با غلامان سیاه خود در امور مختلف، مشورت می کرد و به رأی و فکر آن ها احترام می گذاشت. شخصی به پدرم گفت: آیا با غلامان سیاه مشورت می کنی؟! در پاسخ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رُبَّمَا فَتَحَ عَلَى لِسَانِهِ؛ (1) همانا خداوند متعال چه بسا راه حل مشکلی را بر زبان همان غلام سیاه بگشاید.»

ب) صلابت و عزت نفس در برابر ترفند هارون

یکی از خصلت ها و روش های رفتاری امام کاظم (علیه السلام) حفظ صلابت و عزت اسلامی بود، او هرگز به خواری و ذلت تن در نداد، تا آن جا که مرگ با عزت را بر زندگی ذلت بار ترجیح داد. سرگذشت های جالب زیر گفته ی ما را اثبات می کند:

1- در آن هنگام که امام کاظم (علیه السلام) در زندان، در شرایط سخت بود، هارون، وزیرش یحیی بن خالد برمکی را طلبید و به او چنین دستور داد: به زندان برو و موسی بن جعفر (علیه السلام) را از غل و زنجیر آزاد کن و سلام مرا به او برسان و به او بگو: پسرعمویت (هارون) می گوید: من قبلا سوگند یاد کرده ام که تو را آزاد نسازم تا

اقرار کنی که با من رفتار بدی کرده ای و از من درخواست عفو از گذشته نمایی، اقرار تو موجب ننگ برای تو نیست و درخواست تو از من، موجب نقص و عیب تو نخواهد بود. این پیام رسان من، یحیی بن خالد، مورد اطمینان من و وزیر من است، از او درخواست عفو کن تا مرا از ذمه ی سوگند برهاند، آن گاه به سلامت هر کجا خواهی برو. امام کاظم (علیه السلام) به یحیی چنین گفت: ای ابا علی! مرگ من فرارسیده و بیش از یک هفته، بیشتر در این دنیا نخواهم ماند، از جانب من به هارون بگو: روز جمعه فرستاده ی من نزد تو می آید و آن چه را در مورد وفات من دیده، به تو خبر می دهد و تو به زودی در فردای قیامت در پیش گاه عدل الهی زانو بر زمین زده و در آن جا روشن می شود که ظالم و ستم گر کیست؟ (2)

2- در آن هنگام که امام کاظم (علیه السلام) در زندان های تاریک هارون به سر می برد، یکی از آشنایان برای امام چنین پیام داد: اگر برای فلانی نامه بنویسی تا با هارون در مورد آزادی تو صحبت کند، کارساز است. امام کاظم (علیه السلام) جواب داد: پدرم از پدران خود و آن ها از پیامبر (ص) نقل کرده اند که خداوند به حضرت داود (علیه السلام) وحی کرد: همانا هیچ بنده ای از بندگانم به شخصی جز من تکیه نکرد، مگر این که اسباب (نعمت های) آسمان را از او بریدم، و زمین را در زیر پایش برای فرو رفتنش در کام زمین، سست کردم. (3)

ج) نهی از منکر

امام کاظم (علیه السلام) و پشیمانی گنه کار روزی امام کاظم (علیه السلام) از کوچه ای عبور می کرد، صدای ساز و آواز از در خانه ای به گوشش رسید، در همین لحظه کنیزی از آن خانه برای ریختن زباله، بیرون آمد، امام به او فرمود: صاحب این خانه بنده است یا آزاد، به عبارت دیگر، غلام است یا ارباب؟ کنیز گفت: او آزاد است.

امام کاظم (علیه السلام): راست گفتی، آزاد است که این گونه آشکارا گناه می کند، اگر بنده بود از مولای خود می ترسید و گناه نمی کرد.

همین گفت و گو باعث شد که کنیز دیرتر به خانه بازگردد. به همین دلیل صاحب خانه به نام بشر از کنیز پرسید: چرا دیر آمدی؟

کنیز در پاسخ گفت: شخصی از این جا عبور می کرد، از من پرسید: صاحب این خانه بنده است یا آزاد، گفت: اگر بنده بود از آقای خود می ترسید.

همین پیام آن چنان بشر را دگرگون کرد که همان لحظه با پای برهنه از خانه بیرون آمد و به دنبال آن آقا به راه افتاد. ناگاه دید امام کاظم (علیه السلام) است، معذرت خواست و همان جا توبه کرد و با چشم گریان به خانه اش بازگشت. از آن پس هرگز دنبال گناه و انحراف نرفت و از پارسایان معروف عصر خود شد، و چون هنگام توبه پا برهنه بود، به او «بشر حافی» لقب دادند. (4)

(د) آراستگی امام برای همسر

حسن بن جهم می گوید: امام کاظم (علیه السلام) را دیدم که محاسنش را رنگ کرده بود و بسیار آراسته به نظر می رسید، پرسیدم: فدایت شوم چرا محاسنت را رنگ کرده ای؟
در پاسخ فرمود: آراستگی و آمادگی، بر حفظ عفت زن می افزاید. همانا بعضی از زن ها به دلیل آن که شوهرانشان به مسئله ی نظافت و آرایش بی اعتنا هستند، از مرز عفت خارج می شوند. سپس فرمود: آیا دوست داری همسرت را آن گونه بنگری که او تو را آن گونه (ژولیده و نامرتب) بنگرد؟
عرض کردم: نه.

فرمود: زن نیز دوست ندارد، تو را ژولیده بنگرد. سپس افزود: «من اخلاق الانبياء التتظف و التطيب و حلق الشعر؛ (5) از اخلاق پیامبران، پاکیزگی و خوش بویی و زدودن موهای اضافی بدن است.»

شخصیت امام امام موسی کاظم (علیه السلام) در میان شخصیت های علوی موجود در آن زمان از نظر علم و تقوا و زهد و عبادت، سرآمد روزگار خویش به شمار می آمد.
شیخ مفید در این باره می گوید: ابوالحسن موسی (علیه السلام) پرستنده ترین، سخی ترین و با شخصیت ترین اهل زمان خود بود. (6)

ابن ابی الحدید درباره ی آن حضرت چنین می نویسد: فقاہت، دیانت، عبادت، بردباری و شکیبایی، همه در آن حضرت جمع بود. (7)

یعقوبی، مورخ شهیر، در این باره می نویسد: موسی بن جعفر (علیه السلام) عابدترین مردم زمان خود بود. آن حضرت از صالحان، عابدان، سخاوت مندان و بردباران بود و شخصیتی بس بزرگ داشت. (8)
آن چه از سجایای امام (علیه السلام) بیش از همه نبود و نمایان داشت، کرم و سخاوت او بود که ضرب المثل شده است. از جمله خصایص دیگر آن حضرت، زهد و عبادت ایشان است. امام کاظم (علیه السلام) سال هایتمادی در زندان به سر برد و در تمام این مدت به عبادت خدا مشغول بود، به طوری که بسیاری از زندان بانان او تحت تأثیر جاذبه ی معنوی وی قرار می گرفتند.

پی نوشت:

1- میزان الحکمه، ج5، ص. 211

2- مناقب آل ابیطالب، ج4، ص. 290

3- تاریخ یعقوبی، طبق نقل الاثمه الاثنا عشر (هاشم معروف)، ج 2، ص. 338

4- محمد محمدی اشتهازدی، پرتوی از زندگی چهارده معصوم (علیه السلام)، نگاهی بر زندگی امام کاظم (علیه السلام).

5- فروع کافی، ج 5، ص. 567

6- شیخ مفید، الارشاد، ص. 277

7- شرح نهج البلاغه، ج 15، ص. 273

